

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

آزاد ل.

۲۴ می ۲۰۱۱

بررسی مختصر قرآن

بخش هشتم

قرآن – محمد و زن - قسمت ششم

راجع به اینکه در قرآن حقوق مرد و زن مساوی نیست، چند آیتی از قرآن، چند حدیثی از پیغمبر اسلام و هم چند نظر از علمای فقه اسلامی را بیان میداریم:

سوره بقره آیت ۲۲۸-.... و زنان را بر شوهران حقوق مشروعی است چنانچه شوهران را بر زنان . و لیکن مردان را بر زنان افزونی و برتری خواهد بود الله بر هر چیز توانا و بر همه امور عالم داناست. (درین آیت الله به بهترین وجه مردان را بر زنان ترجیح داده و واضح تر از این نمی شود هدایت داده و راجع به حقوق مرد و زن روشنی انداخت . اکنون روشنگران اسلامی هر چه دارند لطفاً بنویسند و ثابت نمایند که حق زن و مرد در اسلام مساوی است؟؟ شاید هم نتوانند و نخواهند خلاف وضاحت این آیت قرآن چیزی بنویسند؟؟ چون نباید آیات آسمانی را رد کرد؟؟ وقتی قرآن می گوید مردان را بر زنان برتری است فکر نکنم مفسرین و دنباله روان اسلامی خلاف آن چیزی داشته باشند تا بگویند . ولو اینکه سعی در مترقی نشان دادن دین مبین اسلام از نگاه حقوقی داشته باشند)؟؟

سوره نسا آیت ۱۱ – حکم الله در حق فرزندان شما چنین است که پسران دو برابر دختران ارث برند . پس اگر دختران بیش از دو نفر باشند فرض همه دو ثلث ترکه است و اگر یک نفر باشد نصف است . (درین آیت مطلقاً زن نصف مرد است چه می توان کرد این امر خداست؟؟)

سوره نسا آیت ۲۴ : و نکاح زنان محسنه (شوهر دار) نیز بر شما حرام شد مگر آن زنان که متصرف و مالک شده‌اید بر شماست که پیرو کتاب الله باشید . (اینجا خداوند بزرگ زنان را به حیث جنس و شیء به حساب آورده و مردانی که آنانرا متصرف شده‌اند بر آنها حلال و مال خودشان حساب نموده است . .

سوره المائده آیت ۵ - ... و نیز حلال شد نکاح زنان پارسای مؤمنه و زنان پارسای اهل کتاب. در صورت که

اجرت و مهر آنان را بدهید و آنها هم زنا کار نباشند و رفیق و دوست نگینند ... (نظر به این آیت مبارک مردان در هم آغوشی زنان پارسای مؤمنه و پارسای اهل کتاب دست آزاد دارند در صورت که مزدشان داده شود . یعنی مردان می توانند این کارها را انجام دهند اما زنان مؤمنه باید صبر خدا نمایند. فکر می کنم یکی از برتری های مردان بر زنان از نگاه حقوقی همین باشد)...

سوره احزاب آیت ۳۰- **ای زنان پیغمبر از شما هر که به کار نا روائی دانسته اقدام کند او را دو برابر دیگران عذاب کنند و این بر الله سهل و آسان است .**

آیت ۳۱- **و هر کی از شما مطیع فر مان الله و رسول باشد و نیکو کار شود پاداشش دو برابر عطا کنیم و برای او روزی بسیار نیکو مهیا سازیم .**

آیت ۳۲- **ای زنان پیغمبر شما مانند دیگر زنان نیستید و از الله ترس و پرهیز کار باشید. پس زنهار نازک و نرم با مردان سخن نگوئید مبادا آنکه دلش بیمار است به طمع افتد و درست سخن گوئید .**

آیت ۳۳ - **و در خانه های تان بنشینید** و آرام گیرید و مانند دوران جاهلیت پیشین **آرایش** و خود آرائی نکنید . نماز به پا دارید و زکات به فقیران بدهید و از امر رسول اطاعت کنید الله چنین می خواهد رجس هر آرایش را از شما و خانواده نبوت ببرد و شما را از هر عیب پاک و منزه گرداند . .. (این آیات مبارک چون خدا فهمیده است که محمد او با آن همه زن در حرمسرا شاید دچار مشکلات شود فلذا با این آیات عوض اینکه به محمد احتیاط گوشزد کند زنان او را در قید و بند می کشاند. واقعاً الله مهربان است.)

سوره احزاب آیت ۵۰ - (ای پیغمبر گرامی) ما زنانی که **مهر شان ادا کردی بر تو حلال کردیم و کنیزانی را که به غنیمت الله ترا نصیب کرد و ملک تو شد و نیز دختران عمه - دختران خاله - و دختران کاکا آن ها که باتو از وطن خود هجرت کردند و نیز زنان مؤمنه ای که خود را به رسول بی شرط مهر ببخشند و رسول هم به نکاحش مایل باشد که این حکم (هبه و بخشیدن زن و حلال شدن او) مخصوص تست و نه مؤمنان . که حکم زنان عقدی و کنیزان ملکی متصرفی مؤمنان را (بیشتر با شرایط و عدد و حقوق آنها بر شوهر همه را) به علم خود بیان کردیم این زنان همه را که بر تو حلال کردیم (و تو را مانند مؤمنان امت به احکام نکاح مقید نکردیم) بر این سبب بود که بر وجود عزیز تو در امر نکاح هیچ حرج و زحمتی نباشد و الله را بر بندگان مغفرت بسیار است . (با صدور این حکم دیگر مشکلی برای محمد حبیب الله موجود نیست حتی آن بیچاره هائی که با وی مهاجرت نموده اند خویش و قوم آنها هم باید جوابگوی غرایض جنسی محمد باشند)**

همان سوره آیت ۵۲- **ای رسول بعد ازین زنان دیگر نه عقد هیچ زنی بر تو حلال است و . نه میدل کردن این زنان به دیگر زن هر چند از حسنش خوشتر آید الله بر هر چیز مراقب و نگهبان است . مگر کنیزی مالک شوی ... شگفت آئی و بسیار در نظرت زیبا آید . (با این همه بخشندگی الله فکر نمی کنم زنی باقی مانده باشد که محمد نتواند او را تصاحب کند و مالکش باشد.)**

با این مختصر که شرح داده شد و از نوشتن آیات دیگر به خاطر تکرار نشدن مطالب صرف نظر شده است و من قبلاً در بخشهای مختلف روی همچو آیتاتی مکث نموده ام از هموطنانم می خواهم دقیقاً این آیات را چند بار مطالعه فرمایند و لطف نمایند بگویند که کدام یک ازین آیات و خواندن آن در مراسم سوگواری عزیزان فوت شده ما می تواند بما تسلیت بدهد ؟؟؟؟ اگر به فارسی بخوانیم ؟؟

محمد در حجة الوداع یعنی آخرین خطبه ای رسمی که یک نوع وصیتنامه سیاسی او شناخته شده برای مردم راجع به زن چنین می گوید :

از متن عربی آن صرف نظر شد: ای مردم . من اینک راجع به زن‌های شما صحبت می‌کنم وظیفه آن‌ها این است که نگذارند شخصی وارد بستر شما شود (جز خود شما) و کسانی را که مورد محبت شما نیستند به خانه راه ندهند . اگر آن‌ها به این وظایف عمل نکردند خداوند به شما اجازه داده است که در بستر جداگانه استراحت کنید و آنها را کتک بزنید ولی نه به شدت؟ چون آن‌ها در خانه شما یک محبوس هستند و از خود اختیاری ندارند و با یک محبوس که از خود اختیاری ندارد باید با محبت رفتار کرد؟ (محمد پیامبری که از نو باید شناخت ذبیح الله منصور ص ۴۱۸) ابو القاسم پاینده در ترجمه همین خطبه (حجه الوداع) در جلد چهارم تاریخ طبری از قول محمد می‌نویسد: اما بعد ای مردم شما بر زنان تان حقی دارید و آنان نیز بر شما حقی دارند حق شما بر زنان تان چنان است که کسی را که از او بیزارید بر فرش شما ننشاند و مر تکب کار زشت نشوند و اگر مر تکب شدند خدا به شما اجازه داده که در خوابگاه از آن‌ها دوری کنید و آن‌ها را نچندان سخت بزنید اگر دست بر داشتند روزی و پوشش (غذا و لباس) آنها را به طور متعارف بدهید با زنان به نیکی؟ رفتار کنید که به دست شما اسیرند و اختیاری از خویش ندارند (تاریخ طبری جلد چهارم - ترجمه ابوالقاسم پاینده ص ۱۲۷۷ تا ۱۲۷۸)

علی بن ابی طالب چنین می‌گوید:

مردم . ایمان زنان ناتمام است بهره ای آنان ناتمام. خرد ایشان ناتمام. نشانه نا تمام ایمان معذور بودن شان از نماز و روزه است به هنگام عادت شان و نقصان بهره ایشان نصف بودن سهم آنان از میراث است نسبت به سهم مردان . و نشانه ناتمامی خرد آنان این بود که گواهی دو زن چون گواهی یک مرد به حساب رود پس از زنان بد پرهیزید و خود را از نیکان شان و ا پائید (مواظب خود تان باشید) و تا در کار زشت طمع نکنند در کار نیک (هم) از آنان اطاعت ننمائید (نهج البلاغه ترجمه دکتر سید جعفر چاپ بیستم ص ۵۷ و ۵۸)

همچنان علی در نامه شماره ۳۱ خود به پسرش حسن راجع به زنان می‌نویسد:

بپر هیز از رأی زدن با زنان که زنان سست رأی اند و در تصمیم گرفتن ناتوان و در پرده شان نگهدار تا دیده شان به نا محرمان نگرستن نیارد که سخت در پرده بودن آنان را بهتر نگه می‌دارد و بیرون رفتن شان از خانه بد تر نیست از بیگانه که بدو اطمینان نداری و او را نزد آنها در آری . و اگر توانی چنان کنی که جز ترا نشناسند روا دار. و کاری که برون از توانای زن است به دستش مسپار که زن گل بهاری است لطیف و آسیب‌پذیر نه پهلوئی است کار فرما و در هر کار دلیر و مبادا گرامی داشت (او را) از حد بگذرانی و یا او را به طمع افگنی و به میانجی دیگری واداری (نهج البلاغه ص ۳۰۷)

مسعودی نیز در جلد اول مروج الذهب در ذکر سخنانی از محمد این دو جمله کوتاه را هم از پیامبر نقل می‌کند: بهشت زیر سایه شمشیر هاست؟ و زنان را بی لباس بگذارید تا در خانه بمانند . (مروج الذهب و معادن الجواهر نوشته ابوالحسن علی بن حسین مسعودی ترجمه ابوالقاسم پاینده چاپ ششم جلد اول ص ۶۵۱)

علی میر فطروس با استناد به اسناد تاریخی معتبری چون منتخب التواریخ حاج محمد هاشم خراسانی ص ۲۴ و ۲۵ آفرینش و تاریخ مقدسی جلد ۵ ص ۱۲۹ تاریخ گزیده حمدالله مستوفی ص ۱۱۵۰ و قصص الانبیا ص ۴۵۹ می‌نویسد:

عثمان به زودی با دختر محمد (رقیه) ازدواج کرد اما پس از چندی به علت خشونت اخلاقی و عدم سازش با رقیه به ضرب تازیانه دختر محمد را کشت با این حال موقعیت اجتماعی و اقتصادی عثمان چیزی نبود که حضرت محمد با این جنایت آن را نادیده بگیرد و از آن بگذرد لذا محمد دومین دختر خود (ام کلثوم) را (هم) به ازدواج عثمان در آورد تا بدین وسیله پیوند خود را با اشراف بنی امیه همچنان حفظ نماید معروف است که پیغمبر عثمان را

(ذوالنورین) یعنی صاحب دو نور (رقیه + ام کلثوم) نامید و می‌گفت اگر دختر سومی نیز می‌داشتیم او را هم به ازدواج عثمان در می‌آوردیم (مقدمه‌ای بر اسلام شناسی - جلد دوم علی میر فطروس - چاپ سوم ص ۹۴ تا ۹۵) پطروشفسکی با استناد به (اسلام در ایران می‌نویسد: مثلاً امام حسن فرزند ارشد علی و امام دوم شیعیان از عهد جوانی دایما با زنان ازدواج می‌کرد و زان پس طلاق شان می‌داد به طوری که امام حسن بر روی هم ۷۰ زن گرفت (اسلام در ایران پطروشفسکی ترجمه کریم کشاورز ص ۹۳) و بر همین اساس در تاریخ به نام "حسن مطلق" نام گرفت.

علی در وصیت‌نامه اش در رابطه با همخوابگان کنیزش می‌فرماید: و هر یک از کنیزانم را که با او بوده‌ام اگر فرزندی بود یا باردار باشد کنیز را به فرزند دهند و بهره او حساب کنند اگر فرزندش بمیرد و کنیز زنده باشد کنیز آزاد است. (نهج البلاغه نامه‌ای شماره ۲۴ ص ۲۸۵)

ابن زید گوید: اگر بلیه حوا نبود زنان این دنیا قاعده نمی‌شدند عاقل بودند و آسان حامله می‌شدند و آسان می‌زاییدند (تاریخ طبری جلد اول ص ۶۸ تا ۶۹)

فکر می‌کنم ردیف نمودن همه اسناد تاریخی که شاید شمه ای از هزاران رویداد های سکسی و زن ستیزی پیشوایان اسلام را نمودار سازد می‌تواند در روشن شدن ذهنیت های خوانندگان به شکل مثبت تاثیر پذیر باشد فعلاً هم می‌توان سرنوشت صد ها هزار زن و شاید هم میلیونها زن را در کشور های اسلامی مثل عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران که هنوز هم زنجیر و طوق بردگی و کنیزی اسلام در گردن این مظلومان به زور و جبر نگهداشته شده مشاهده نمود که چگونه از امتیاز های برابری و حقوق مساوی با مرد بر خوردار اند ؟؟؟؟

زن افغان در شرایط بد تر که دیانت اسلام مزج شده در کلچر عشایری قرون وسطائی شرایطی را می‌گذرانند که توصیف آن خیلی‌ها مشکل است. فکر می‌کنم با تحلیل و بررسی قرآن و اسلام و حقوق انسان‌ها مطروحه ادیان ابراهیمی و مشاهده وضع رقت بار و اسف انگیز جنس زن و مرد های غریب پیشه در چوکات های مطروحه اسلام وقت آن رسیده باشد که هموطنان ما کمی به خود تکان داده و در جست و جوی حقایق بر آیند با چشمان باز مطالعه و حقایق را در یابند. حقایق در گفتار ملا و مولوی، چلی و آیت الله و غیره حکمرانان دین و تیر آوران شان نیست فقط مطالعه و باز هم مطالعه است که جوانان و هموطنان ما را به واقعیت های پشت پرده اسلام می‌رساند و ما می‌بینیم آنچه از ما غرض اینکه رسوا نشوند پنهان داشته‌اند، تا سالهای سال مردم با چشمان بسته اطاعت ازین لاشخور های مزدور را در چوکات های مقدس داشته باشند

ادامه دارد